

تعاملات اجتماعی و حیاط خانه‌های تاریخی در شهر اصفهان

پژمان ناظری^۱، مریم قاسمی سیپانی^۲، محسن افشاری^۳، نرگس کشتی آرای^۴

چکیده

در شرایطی که از نظر محققان، تعاملات میان افراد، یکی از مهمترین نیازهای انسانی محسوب می‌شود، این موضوع، به دلایل گوناگون، فراموش شده است. فارغ از دلایل فرهنگی و اقتصادی و مشابه آن، کمبود فضاهایی که قابلیت ایجاد چنین تعاملاتی را داشته باشند، وجود دارد. در دوران معاصر، خانه‌ها دیگر همچون گذشته، فضاهای توانمندی برای این کار در اختیار ندارند. این در حالی است که مطالعه معماری و شهرسازی ایران، حاکی از برقراری تعاملات اجتماعی، در فضاهای مختلف خانه‌های تاریخی است. این پژوهش، به طور اختصاصی، حیاط خانه‌های تاریخی را مد نظر قرار داده است. سؤال اساسی اینجاست که ویژگی ذاتی و ظاهری فضاهایی نظیر حیاط در خانه‌های تاریخی چه بود که می‌توانست چنین قابلیت را فراهم آورد؟ در این راستا، هدف، یافتن دلایل موفقیت حیاط خانه‌های تاریخی، در ارتقای سطح تعاملات اجتماعی از نگاه ساکنان این خانه‌هاست زیرا این افراد، به دلیل تجربه زیسته خود، بهتر از دیگران می‌توانند به این سوال پاسخ دهند. این پژوهش با استفاده از نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند^۵ انجام شده است. مصاحبه‌ها و سپس تحلیل داده‌ها، به شکل‌گیری مدلی منجر شد که نشان می‌دهد چگونه ساکنان، حیاط خانه‌های تاریخی، با داشتن تسهیلات گردهمایی جمعی نظیر طراحی انعطاف‌پذیر و داشتن قابلیت‌های محیطی، به چنین قابلیت دست می‌یافته‌اند.

۱- دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

P-nazeri@dehaghan.ac.ir

۲- دانشیار گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل)

mghasemi@khuisf.ac.ir

۳- استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران

M.afshary@iau.ac.ir

۴- دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

N_keshtiara@khuisf.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

واژه‌های کلیدی

حیات - خانه‌های تاریخی - نظریه داده‌بنیاد - تعاملات اجتماعی.

مقدمه:

موضوع تعاملات اجتماعی از جمله مسائلی است که در جامعه‌شناسی و معماری، بسیار به آن پرداخته می‌شود؛ دلیل این امر، اهمیت تأثیر مثبت مراوده‌های اجتماعی بر روحیه و کردار انسانهاست. در حقیقت افراد با قرارگیری در کنار یکدیگر، قابلیت‌های خود را افزایش می‌دهند، ضمن آنکه تعاملات اجتماعی، اصولاً عاملی برای آرامش روحی و روانی اشخاص است و نمونه بارز آن در معماری خانه‌های تاریخی ایران، قابل مشاهده است؛ جایی که محملی برای گرد هم آمدن اعضای خانواده و خویشاوندان در کنار یکدیگر بوده است.

این خانه‌ها، جلوه مستقیم ارزشهای معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بودند (حائری، ۱۳۸۸: ۴۲) که در آنها، گاه چند خانوار در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. به نظر می‌رسد دلیل این موضوع علاوه بر شرایط فرهنگی و اجتماعی زمانه مورد بحث، قابلیت‌های فراوانی بود که محیط داشت. در حقیقت در تفکرات معماران سنتی، خانه مرکز جهان بود که باید بتواند نیازهای مختلف انسان را اعم از جسمی و روانی تأمین کند (مجیدی و معماریان، ۱۳۹۴: ۹۵). نکته قابل تأمل، درک قابلیت این خانه‌ها در ایجاد تعاملات اجتماعی و کسب راهکار برای معماری خانه‌های معاصر است.

بیان مسأله:

امروزه و همزمان با دریافت گزارشهایی از تخریب و در معرض خطر بودن بافت تاریخی، اغتشاش در ارزشهای سنتی، به احداث خانه‌هایی بیگانه با فرهنگ و گذشته منجر شده است (حائری، ۱۳۸۸: ۶۳) و ساخت خانه‌های سنتی با حیاط‌های زیبا، به دلایل گوناگونی همچون نگرش کمی به مقوله مسکن، رویکرد سوداگرایانه نسبت به زمین، عدم توجه به معنا و کیفیت زیبایی و غفلت از تأثیرگذاری محیط بر روان آدمی، مورد

بی‌توجهی قرار گرفته است (طوفان، ۱۳۸۵: ۷۲). در حقیقت، سیطره معماری مدرن و رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی در دهه‌های اخیر موجب شده که شهر معاصر با چالش‌های تازه‌ای در زمینه سکونت مواجه گردد و برای پاسخگویی به این نیاز رو به رشد کمیت، جایگزین کیفیت شده است (زمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷). خانه‌های معاصر، دیگر دغدغه مسائل فرهنگی و اجتماعی و نیز توانایی لازم، برای به آرامش رساندن انسان را ندارند. یکی از نارسایی‌های خانه‌های معاصر، عدم توانایی در برقراری رابطه اجتماعی مناسب میان ساکنان این خانه‌هاست که باعث شده انسان معاصر، به دور از مزایای تعاملات اجتماعی، به سمت انزوا پیش رود و نتیجه آن تنهایی و بروز مشکلات ناشی از آن است به گونه‌ای که اعضای خانواده (به عنوان رکن پایه اجتماع) هر کدام در عزلت خود به سر می‌برند. این در حالی که خانه‌ها به عنوان اصلی‌ترین مکان زندگی انسان معاصر، باید به نیازها، باورها و ارزشهای ساکنان آن پاسخ دهند (فتح بقالی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۷). در بسیاری از مجتمع‌های مسکونی معاصر، همسایه‌ها حتی یکدیگر را نمی‌شناسند چه برسد به آنکه قصد انجام مراودات اجتماعی با یکدیگر داشته باشند و اگر هم چنین قصدی داشته باشند، فضاها مهیای چنین کاری نیستند.

در این میان، خانه‌های تاریخی به دلیل دارا بودن فضاهایی با قابلیت‌های گوناگون، امکان برقراری تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کند؛ و یکی از فضاهای خانه‌های تاریخی که نقش عمده‌ای در حضور اعضا در کنار یکدیگر داشت، حیاط بود. این فضا به بهترین شکل، شرایط را برای حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر مهیا می‌کرد و محملی بود که علاوه بر برقراری امکان گردهمایی‌های روزمره اهالی، امکان برگزاری مراسم مختلف و مناسبی نظیر عروسی و روضه‌خوانی و... را نیز داشت.

فضای حیاط مرکزی، نوعی زندگی خرد اجتماعی را سامان می‌داد (احمدی ۱۳۸۲: ۹۷)؛ و این امر نشانگر اهمیت نقش حیاط‌ها در تعاملات اجتماعی مردم است. این نکته را هم باید در نظر داشت که مسأله حیاط مرکزی صرفاً معطوف به خانه‌ها نبوده و حیاط سراها، مدارس، مساجد، بازارها و میدانهای شهر را می‌توان حیاط‌های مرکزی عمومی در

مقیاس شهر-جامعه اطلاق کرد(همان). در حقیقت کارکردهای خصوصی و عمومی شهر نیز به صورت شاخص و سازمان‌یافته، در قالب حیاط‌های مرکزی شکل می‌گرفته‌اند (احمدی ۱۳۸۲: ۹۳) که این قضیه جایگاه شهری و شهرسازی حیاط‌های مرکزی را در تعاملات اجتماعی نشان می‌دهد و در واقع آنچه در حیاط خانه در مقیاس خرد اتفاق می‌افتاد، بازتاب آن چیزی بود که در مقیاس کلان‌تر در شهر در جریان بود. حال در مقام مقایسه در شرایطی که عملاً می‌توان مجتمع‌های مسکونی معاصر را جایگزین خانه‌های تاریخی به حساب آورد و فضای باز این مجتمع‌ها در حکم حیاط خانه‌های تاریخی اند، این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی سبب شده‌اند فضای باز مجتمع‌های مسکونی (به عنوان بخشی از فضای شهری، در اجتماعی محدود)، حال و هوای حیاط خانه‌های سنتی را نداشته باشند؟ و چرا در مجتمع‌های مسکونی، در شرایطی که همانند خانه‌های سنتی، چند خانواده در یک مجموعه زندگی می‌کنند، شرایط و امکان و انگیزه لازم برای تعاملات اجتماعی بین آنها وجود ندارد؟ شاید بخشی از پاسخ، مربوط به تغییر شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر باشد ولی به نظر می‌رسد معماری امروز نیز توانایی لازم را برای جذب افراد به سمت یکدیگر ندارد. هدف تحقیق حاضر، فهم نقش و عملکرد حیاط‌های سنتی در ارتقای تعاملات اجتماعی از دیدگاه ساکنان در خانه‌های سنتی شهر اصفهان و پی بردن به قابلیت‌های حیاط خانه‌های قدیمی در استفاده از این قابلیت‌ها در معماری مسکونی معاصر ایران است. پژوهش بر این باور است که با احیای خصلت‌های ذاتی حیاط‌های خانه‌های قدیمی، در مجتمع‌های مسکونی، می‌توان از نارسایی‌های موجود در این زمینه کاست و در حقیقت با درس آموزی از نتایج معماری تاریخی، به رفع نواقص موجود در این زمینه پرداخت. کنکاش در خصلت‌های معماری حیاط‌ها، می‌تواند زمینه را برای بازگرداندن بخشی از قابلیت‌های از دست‌رفته معماری معاصر در زمینه تعاملات اجتماعی به آنها فراهم آورد.

سوالات پژوهش:

در این پژوهش دست یافتن به پاسخ پرسشهای زیر می‌تواند مسیری در راستای بهره-

گیری از قابلیت‌های حیاط خانه‌های قدیمی در زمینه افزایش میزان مراودات اجتماعی در خانه‌های معاصر بگشاید:

۱. مهمترین دلایل ارتقای سطح تعاملات اجتماعی در حیاط‌های خانه‌های تاریخی، از نگاه ساکنان در این فضاها کدامند؟

۲. از دیدگاه ساکنان، تاثیر هر یک از عوامل در این زمینه چقدر است؟
گفتنی است منظور از بهره‌گیری از خصلتهای معماری قدیمی، الزاماً به معنای تکرار فرم و ظاهر آن نبوده بلکه بیشتر، درون‌مایه‌های ذاتی آنهاست که همچنان پس از گذشت ایام، توسط ساکنان در آن فضا مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش:

پیشینه نظری:

در مورد لزوم توجه به مبحث تعاملات، نظریات گوناگونی در جامعه‌شناسی و معماری مطرح شده که نیاز به مطالعه و بررسی دارد. برای مثال آزاد ارمکی وجود همبستگی افراد با خانواده و حفظ آن را، راهی برای تداوم تعاملات همسایگی و تقویت همیاری و تعاون میان افراد جامعه می‌داند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ بل بام و بارهیر نیز در مطالعات خود نشان دادند که روابط صمیمانه و خوب با دیگر مردم، از جمله همسایگان، از منابع اصلی رضایت از زندگی و شادی است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹)؛ همچنین هالر و هادلر^۱ معتقدند در بافت اجتماعی خرد، پیوندها و تعاملات اجتماعی، عامل تعهد و مسئولیت‌پذیری، تعلق‌های اجتماعی، نوع دوستی و به طور کل سرمایه اجتماعی (Fukuyama, 1999 & coleman, 1988) افراد است (Haler & Hadler, 2006: 181)

زیبایی نژاد، تقویت انسجام و تعاملات خانوادگی را عامل فعال شدن شبکه همیاری طایفه‌ای با هدف حمایت، مراقبت و کنترل می‌داند که بار مسئولیت دولت را برای حل معضلات اجتماعی کاهش می‌دهد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴) دورکیم^۲ نیز معتقد است که

1. Haler & Hadler
2. Durkheim

اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن، هم‌نوابی بیشتری با ارزشهای جامعه خواهند داشت (دورکیم، ۱۳۹۸: ۶۲).

یکی از مهمترین نظریات جامعه‌شناسی قابل بحث در زمینه تعاملات اجتماعی، نظریه کنش متقابل نمادین است. در حقیقت این نظریه، برای مطالعه تعاملات اجتماعی و روانشناختی افراد به کار می‌رود و در جستجوی تصویری است که توسط افراد ساخته می‌شود. در این نظریه تأکید بر این است که افراد واقعیات مورد قبول خود را بر مبنای سمبل‌ها یا نمادهای پیرامون خود و از طریق تعامل با دیگران می‌سازند. فرضیه اصلی این نظریه، این است که رفتار انسان در برابر دیگران و اشیا بر مبنای معانی است که آن افراد و اشیا برای فرد ایجاد می‌کنند و این معانی از طریق تعاملات اجتماعی بین افراد ساخته می‌شوند (گینگریچ ۲۰۰۰: ۱۱۷).

این نظریه، انسان را موجودی متفکر می‌داند که دارای اختیار بوده و وقتی در برابر موقعیت قرار می‌گیرد آن را تفسیر می‌کند و سپس بر اساس تحلیل و تفسیر از موقعیت، دست به کنش می‌زند (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۱). همچنین نظریه کنش متقابل نمادین بیان می‌کند که افراد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و موجب ساختن عمل یکدیگر می‌شوند؛ در نتیجه اهمیت تعاملات اجتماعی و تأثیری که نحوه رفتار انسانها بر یکدیگر دارد مشخص می‌گردد. ضمن آنکه در این نظریه بر اهمیت محیط، به عنوان عامل تأثیرگذار بر رفتار انسان، از طریق ادراک، تأکید می‌شود. بنابر این در این باره (تأثیر کالبد بر رفتار) می‌توان به دیدگاه جان لنگ، درباره انواع تأثیر متقابل محیط و رفتار نیز اشاره کرد. وی به چهار دسته تئوری روابط رفتار- محیط اشاره دارد که شامل رویکرد اختیارگرا، رویکرد امکانگرا، رویکرد احتمالگرا و رویکرد جبرگراست. تئوریهای مبتنی بر رویکرد اختیاری، بر این اصل قرار گرفته‌اند که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. تئوریهای مبتنی بر رویکرد امکانگرایی، محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند. تئوریهای مبتنی بر جبرگرایی که معتقدند وقتی مردم آزادانه عمل می‌کنند، در واقع تحت کنترل محیط‌ند و محیط تعیین‌کننده اصلی رفتار انسان است و در نهایت، تئوریهای مبتنی بر رویکرد احتمالگرا که محیط را پر از قابلیت‌هایی برای رفتار انسان

دانسته، که ادراک محیط و استفاده از آن را وابسته به نیازها و شایستگی‌های فردی می‌دانند (Lang, 1987:11).

همچنین کولی^۱ اصطلاح گروه نخستین را بیان می‌کند که خانواده، گروه‌های همبازی و همسایگی‌ند که در آنها همبستگی‌های نزدیک می‌توانند کاملاً پرورده شوند. او معتقد بود که در این گروه‌ها، انسانها برای دستیابی به بیشترین نفع همگانی، تمایلات فردگرایانه‌شان را به حداقل می‌رسانند و با حلقه‌های همدردی و محبت با هم‌نوعانشان، پیوندی پایدار برقرار می‌سازند. گروه نخستین، بستر پرورش محبت و همدردی انسانی است که با حالت بی تفاوت و غیرشخصی و غیرعاطفی انواع دیگر روابط اجتماعی تضاد دارد (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۸) از نظر کولی این گروه‌ها با رشد و گسترش و متبلورشدن، منابع اصلی برای ایجاد نهادهای اجتماعی شمرده می‌شوند (همان)؛ در نتیجه نظریات او، ضرورت توجه به روابط میان فردی را خصوصاً در میان همسایگان مورد توجه قرار می‌دهد.

پیشینه تجربی:

در زمینه مسائل تجربی، هال^۲، با بررسی فضاهای معماری، در مقوله تعاملات جمعی در فضا، مفاهیمی همچون اجتماع‌پذیری را مورد تأکید قرار می‌دهد و محیط را به دو دسته: محیط‌های اجتماع‌پذیر و محیط‌های اجتماع‌گریز دسته‌بندی می‌کند (لنگ، ۱۳۹۸: ۶۱). او همچنین به دنبال ایجاد شرایطی است که در محیط، باعث جذب افراد شود و تعاملات اجتماعی را شکل دهد. او به شرایطی اشاره می‌کند که می‌تواند در ترغیب افراد در شرکت در تعاملات اجتماعی مؤثر باشد (هال ۱۹۸۲: ۳۷)

هیلیر^۳ و هانسون^۴ (۱۹۸۴: ۴۰) نیز رابطه میان فضای کالبدی و تعاملات جمعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. کنکاش آنها به خوبی نشان داد که محیط انسان ساخت بر اساس کیفیات فضایی و الگوهای جمعی‌اش، نقش مهمی در شیوه زندگی کاربران ایفا

1 kooley

2. hillir

3. hanson

می‌نماید. پژوهش آنها لزوم توجه به خصایص فضای کالبدی، در ارتقای تعاملات اجتماعی را بیان می‌دارد.

سنت^۱ (۱۹۷۴: ۷۲) نیز در بررسی‌های میدانی خود دریافت که حیات جمعی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی و ایجاد فضایی فعال و سرزنده و... است. دیدگاه وی محاسن ارتقای تعاملات اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. پژوهشهای فستینگر^۲ و همکارانش (۱۹۵۰: ۵۳) درباره تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی وست‌گیت^۳ در بریتانیا منجر به دستاوردهای مهمی در حوزه مطالعه تعامل اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی و واحدهای همسایگی شد. در این تحقیقات آنها به عوامل مختلفی که سبب ارتقای سطح تعاملات اجتماعی می‌شوند دست یافتند.

والاس^۴ (۱۹۵۲: ۲۱) نیز در کنکاش خود دریافت که شکل‌گیری تعاملات اجتماعی از مهمترین وظایف محیط است و نیاز است که از کلیه قابلیت‌های محیط، برای ارتقای سطح تعاملات اجتماعی بهره برده شود. او بیان می‌کند که برای رسیدن به سطح مناسبی از تعاملات اجتماعی، نیاز به تعریف سطح مناسبی از خلوت در محیط است. همچنین فستینگر و همکاران (۱۹۵۰: ۴۱) دریافتند که برای ارتقای تعاملات اجتماعی و تأمین آسایش ساکنان در محیط، توجه به عوامل فیزیکی و کالبدی بسیار مؤثرند. بر مبنای نظریه آنان، کلیه مباحث مرتبط با عوامل فیزیکی شکل‌دهنده به فضا لازم است مورد کنکاش قرار بگیرند تا بیشترین میزان تعاملات اجتماعی میان ساکنان را شکل بدهند. همچنین راپاپورت (۱۹۶۹: ۵۷) که به طور تخصصی به مطالعه درباره خانه‌ها می‌پردازد، به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی خانه‌ها اشاره می‌کند و بر این باور است که ساختار خانه‌ها بیشتر از اینکه تابع موارد فیزیکی باشد، برگرفته از مسائل اجتماعی و فرهنگی است. او توجه ویژه به مسائل اجتماعی و فرهنگی را در طراحی محیط مورد تأکید قرار می‌دهد.

هیلیر و هانسون (۱۹۸۴: ۴۷) و تانگاسکول (۲۰۱۱: ۷۸) دریافتند که در اصل، روابط و

-
1. sennete
 2. Festinger et all
 3. West gate
 4. Wallace

تعاملات اجتماعی میان کاربران است که روابط فضایی یک ساختمان را شکل می‌دهد. در نظریه آنان، محیط باید آنقدر انعطاف داشته باشد که شکل‌گیری آن توسط مراودات اجتماعی صورت پذیرد و در حقیقت اهمیت تعاملات میان افراد را مورد توجه قرار می‌دهند. لانگ و آرچی (۲۰۰۴: ۱۷) نیز تأکید می‌کنند که سازمان فضایی مناسب یک محیط، می‌تواند تعاملات اجتماعی مطلوب میان ساکنان به وجود آورد و مراودات اجتماعی را تقویت نماید. همچنین گروت و یانگ^۱ (۱۳۹۹: ۳۱) مطرح می‌کنند که برای شکل‌گیری یک محیط موفق، توجه به وجوه اجتماعی و فرهنگی استفاده‌کنندگان از فضا الزامی است. نظریه وی نشان می‌دهد که اهمیت مسائل اجتماعی و فرهنگی تا چه میزان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی محیط داشته باشد. لنارد^۲ (۱۹۹۸: ۲۵) نیز با تحقیق درباره فضاهای اجتماع‌پذیر، این فضاها را مورد تحسین قرار می‌دهد و این فضاها را برای کاربران خوشایند می‌داند زیرا نیاز مهمی از آنان را تأمین می‌کند. جوزف پی فرگاس، فضای معماری را مؤلفه‌ای مهم در تعامل انسان با دیگران می‌داند و معتقد است انسان به عنوان فردی پویا و مستعد یادگیری، قادر به اصلاح رفتار در مقابل تغییرات فضای معماری است (فرگاس، ۱۳۹۹: ۶۷). ژانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۲) نیز تنوع فضایی را در کنار عواملی همچون ایجاد حس ایمنی و راحتی را به عنوان مهمترین دلایل در ایجاد سرزندگی و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌دانند و معتقدند کیفیت فضاهای عمومی، فرصت مهمی برای تشویق افراد و خصوصاً سالمندان به تعامل اجتماعی است و در نتیجه سلامت آنها را بهبود می‌بخشد (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین عابد و الجوخدر (۲۰۲۱) نیز فضاهای مشترک را فرصت بالایی برای پیوند و تعاملات اجتماعی افراد می‌دانند و با مطالعه موردی ساختمانهای آپارتمانی در امان، به مطالعه پایداری اجتماعی و تعاملات اجتماعی در این آپارتمانها می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ساختمان های آپارتمانی در امان از نظر عملکرد دارای کمبود فضاهای مشترک داخلی

1. Groat , Wang
2. Lenard
3. zhang

اند و تعداد کمی از فضاها‌ی مشترک داخلی که یافت می‌شوند عمدتاً به مسیرهای گردش‌ی و بدون سیستم سلسله‌مراتبی محدود می‌شوند. (abed & al jokhadar, 2021: 400)

علاوه بر محققان خارجی حوزه معماری، محققان داخلی نیز توجه به مسائل اجتماعی و نوعی از معماری که سبب تقویت تعاملات اجتماعی گردد را مورد توجه قرار داده‌اند. باقری و همکاران (۱۳۹۴) ضمن بررسی عوامل تأثیرگذار بر تقویت تعاملات اجتماعی در مسکن معاصر، بیان می‌کنند که از نظر ساکنان مسکن معاصر، پنج زیرمجموعه کالبدی- محیطی، رفتاری، معنایی، زمینه‌ای و شخصیتی بر افزایش تعاملات اجتماعی میان استفاده‌کنندگان از فضا موثرند (باقری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱)

سلطانی و همکاران (۲۰۲۲) نیز به بررسی تأثیر تراکم بر شاخص‌های پایداری اجتماعی، نظیر، تعاملات اجتماعی، احساس مکان و امنیت می‌پردازد و نتیجه تحقیق آنها بیانگر ارتباط قوی بین داشتن امنیت، حس مکان و تعامل اجتماعی است (Soltani et al., 2022) همچنین حیدری (۲۰۲۰) ضمن بررسی دو الگوی سکونت رایج در مسکن معاصر شامل آپارتمانی و حیاط‌دار، نتیجه می‌گیرد، حتی اگر تعامل اجتماعی (به معنای صحبت میان اهالی خانه) در دو نوع خانه ایجاد شود؛ اما معنای‌ای مانند آزادی، تعلق و ریشه داشتن، تفاوت، تداوم و هویت (که از زیر مجموعه‌های تعاملات اجتماعی اند) در حیاط خانه با الگوی مستقل بیشتر مشهود است و برخی از امکانات نظیر حیاط مستقل، ایوان، امکان رویش پوشش گیاهی، سطح مساحت بیشتر، فضا‌های خاص‌تر، سالن پذیرایی بزرگ و از این قبیل، نقش مهمی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی پایدار دارند. (Heidari, 2020: 136)

بر اساس نتایج تحقیق سعادتی و همکاران، نیز رضایت از همسایگی به برقراری تعاملات اجتماعی و مناسبات خویشاوندی و همسایگی و یا برعکس تأمین خلوت افراد مرتبط است که برای افراد مختلف متفاوت بوده و اعطای حق انتخاب به ساکنان برای تأمین آنچه می‌خواهند، می‌تواند به رضایت از همسایگی منجر شود (سعادتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۵).

شهسووانی نیز معتقد است که اساس زندگی انسانی در جوامع بشری، بر نظام‌های مشارکتی تقابلی و همکارانه است؛ زیرا در بسیاری از موارد، افراد به تنهایی قادر به برآوردن خواستها و نیازهای خویش نیستند؛ از این رو، تعامل متقابل و ارتباطات افراد با یکدیگر، به عنوان عنصری کلیدی در عرصه مطالعات روانی-اجتماعی همواره مورد نظر بوده است (شهسووانی، ۱۳۹۷: ۵۱).

عینی‌فر (۱۳۷۹: ۳۲) نیز معتقد است ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی، هم به وسیله مفاهیم کالبدی و هم مفاهیم فرهنگی و اجتماعی که زمینه‌های روانی لازم را ایجاد می‌نمایند، میسر است. همچنین معماریان (۱۳۸۴: ۲۶) بر این باور است که برای شکل-گیری مرکزی، برای مراوده‌های اجتماعی در خانه‌ها، مراکزی به عنوان مکمل فضاهای اصلی خانه امکان تحقق دارند. همچنین بمانیان و امینی (۱۳۹۶: ۶۱) در تحقیقات خود، خانه را نماد کاملی از یک محیط خصوصی معرفی می‌کنند که برای تأمین روابط اجتماعی با دیگران، تمهیدات خاصی در آن رعایت شده است. در جدول شماره (۱) به برخی اظهار نظرهای دیگر درباره لزوم توجه به تعاملات اجتماعی در طراحی معماری را اشاره می‌گردد.

جدول شماره (۱): لزوم توجه به تعاملات اجتماعی در طراحی معماری (از دیدگاه پژوهشگران

ایرانی)

<p>صالحی نیا و معماریان (۱۳۸۴: ۱۳): اجتماع‌پذیری فضای معماری، با هم‌ساختی و سازگاری بالا، بین کالبد فضا و رفتارهای تعاملی فرا فردی، قابل افزایش است.</p>
<p>دانشگر مقدم و همکاران (۱۳۹۰: ۳۱): نحوه سازماندهی فضایی، بر تعاملات انسانی تأثیرگذار است.</p>
<p>ارژمند و خانی (۱۳۹۱: ۲۸): برای تحقق معماری، علاوه بر توجه به وجوه ملموس و مادی (کالبد) آن، باید حوزه‌های انسانی، چه از حیث فردی و چه از حیث اجتماعی، مورد تأمل و مطالعه قرار داد.</p>
<p>بمانیان و امینی (۱۳۹۶: ۴۳):</p>

ساختن یک محیط زندگی که تأمین‌کننده‌ی آسایش و آرامش انسانها باشد، با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی کاربران قابل تحقق است.

جمع‌بندی:

مبحث مرتبط با قضیه تعاملات اجتماعی و محاسن و لزوم توجه به آن هم در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و هم در محیط و معماری به عنوان ظرف مکان حضور انسانها، بسیار مفصل و مورد تأکید است؛ به گونه‌ای که پژوهشگران متعددی به این امر پرداخته‌اند. در این میان از یک طرف بحث محیط و قابلیت‌های ویژه آن در تحمیل یا عدم تحمیل رفتاری خاص بر انسان، مطرح می‌شود و از طرف دیگر، درباره‌ی طیف وسیع عواملی که می‌توانند در مبحث تعاملات اجتماعی موثر باشند صحبت می‌شود. هر چند مطالعه‌ی نتایج پژوهش‌های به عمل آمده نشان می‌دهد به دلیل گستردگی عوامل تأثیرگذار، لحاظ نمودن کلیه آنها در یک پروژه احتمالاً به طور کامل میسر نباشد، با این حال، در نظر گرفتن برخی از این مفاهیم در طراحی و اجرای ساختمانها می‌تواند شرایط را به سمت بهبود وضعیت تعاملات اجتماعی هدایت کند؛ خصوصاً در خانه‌ها، به عنوان پرکاربردترین فضاهای معماری، لازم است توجه به این امر مورد تأکید بیشتری باشد، ضمن آنکه باید توجه داشت از آنجا که معماری، مقوله‌ای فرهنگی است، بسیاری از نتایج به دست آمده در تحقیقات پژوهشگران غیر ایرانی، نیاز به سنجش و اثبات در فرهنگ ایران را دارند تا قابلیت آنها مورد تأیید قرار گیرد.

خلاصه تحقیقاتی:

با مطالعه‌ی موارد فوق و بررسی پژوهش‌های انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که در عمده‌ی تحقیقات به عمل آمده، بررسی شرایط معماری امروز، مد نظر بوده و محققان در تلاشند، راهی برای غلبه بر معضل فقدان تعاملات اجتماعی در خانه‌های معاصر بیابند و در شرایطی که به نظر می‌رسد پیش از این، معماری و شهرسازی سنتی و تاریخی ایران (در کنار عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی) محیط را به شکل مناسبی برای برقراری ارتباطات مناسب (با لحاظ نمودن کلیه شرایط) مهیا می‌نموده است و احتمالاً بررسی و

تحلیل شرایط و عناصر معماری آن عصر و درس‌آموزی از آن، در کنار تلفیق با شرایط اجتماعی و فرهنگی دوران حاضر بتواند در این راه مؤثر باشد. پژوهشگران این امر، عمدتاً یا از قابلیت‌های فضاهای خانه‌های تاریخی درباره‌ی ارتقای تعاملات اجتماعی صحبتی به میان نیاورده‌اند و یا با ذکر جملائی محدود از کنار آن گذشته‌اند و یا آنکه این قابلیت‌ها را صرفاً از دیدگاه برخی محققان خاص بررسی کرده‌اند. در شرایطی که به نظر می‌رسد پاسخ درست و مناسب در این زمینه را کسانی می‌توانند بدهند که تجربه‌ی زندگی در این فضاها را داشته‌اند. پژوهش حاضر در پی بررسی قابلیت‌های یکی از فضاهای خانه‌های تاریخی (حیاط‌ها) در زمینه‌ی تعاملات اجتماعی، از دیدگاه ساکنان در خانه‌های قدیمی است.

مبانی نظری

انسانها در طول زندگی خود همواره در موقعیت انتخاب قرار دارند. این انتخابها در اصل شیوه‌ی پاسخ‌گویی به خواستها و نیازهای مختلف آنهاست و با فرهنگ آنها در ارتباط است. هنجارهای فرهنگی چون بایدها و نبایدها، ارزش‌ها و قوانین عرفی و اجتماعی بر این انتخابها تاثیر زیادی می‌گذارند؛ به بیانی دیگر افراد عموماً انتخابهای خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که با این هنجارها سازگاری داشته و در تناسب با نوع نگرش آنها نسبت به موضوعات مختلف قرار داشته باشد (محمدحسینی، ۱۳۹۹: ۶۲).

خانه:

خانه مجموعه‌ای از فضاها و عناصر است که هر یک امکان انجام فعالیت‌های مختلفی را مهیا می‌سازند و مجموعه‌ی این فعالیت‌ها در کنار یکدیگر، عملکرد خانه را به منزله‌ی مکانی برای زندگی و تأمین نیازهای ساکنان آن تعریف می‌کند. کارایی یک خانه در حقیقت به میزان هماهنگی و همنشینی عناصر مختلف خانه در کنار یکدیگر بستگی دارد به گونه‌ای که از ارتباط این فضاها با یکدیگر نیازهای مختلف مادی و معنوی ساکنان آن مرتفع می‌گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳).

لورنس^۱ معتقد است مسکن با فاکتورهای فرهنگی، اجتماعی-جمعیتی، روانشناختی، سیاسی و اقتصادی تعریف می‌شود و نیز آنها را تعریف میکند (Lawrence, 1987: 155). از دیدگاه سیگرت^۲ مسکن فقط یک مکان نیست، بلکه دارای کیفیات روانشناسانه و معنای اجتماعی است (Seagret, 1985: 287)؛ با توجه به نظر متخصصان و متفکران، عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر شکل خانه بسیار گسترده است. در این راستا مطالعه تاریخی معماری ایران نشان می‌دهد که در معماری گذشته، نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت، در جای خود به خوبی پاسخ می‌گرفتند. همچنین در این معماری، تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مد نظر بوده است (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۲۸). همچنین بمانیان و امینی بیان می‌دارند که در معماری تاریخی ایران، نیازهای اعتقادی و اجتماعی، به کمال مورد توجه قرار می‌گرفته است و عناصر و فضای لازم برای رفع این نیازها با ساماندهی و رعایت سلسله‌مراتب فضا در رعایت حریم و خلوت و تأمین ارتباطات اجتماعی به شکلی شایسته سامان می‌یافت. ضمن آنکه انتظام موجود در میان فضاها و سلسله‌مراتب تعیین‌کننده تقدم و تأخر مکانهای معمارانه نسبت به هم، نشان‌دهنده روابط اجتماعی موجود در جامعه و مرسوم در سنت مردم بود. (بمانیان و امینی، ۱۳۹۶: ۴۶)؛ در نتیجه برای آنکه خانه‌ها به عنوان یکی از شاخص‌ترین نمایه‌های معماری تاریخی، چنین امکانی داشته باشند، لازم بود کلیه فضاها و از جمله حیاط این خانه‌ها قابلیت حضور جمعی را مهیا سازند.

حیاط:

حیاط مرکزی در حقیقت جوهر سازمان دهی فضا در فلات ایران است؛ ساختاری که به صورت درهم‌تنیده و یکپارچه، پاسخ‌های مناسبی را برای زندگی مادی و معنوی این مردمان به دست داده است (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). ضمن آنکه حیاط در ساختار فضایی مسکن از

1. Lawrence
2. Seagret

جایگاه و ضرورت ویژه‌ای برخوردار بوده و از جنبه‌های اقلیمی، عملکردی، مناسبات فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت فراوانی بوده (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۱۷) و به ابعاد مختلفی از نیازهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی پاسخ داده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸). حیاط خانه ایرانی در حقیقت به عنوان محفل و مکان جلوه‌گر شدن ارزش‌هایی که برخاسته از فرهنگ، جامعه و بستر محیطی بود و اجزای آن، سلیقه بهره‌وران را بازتاب می‌داد (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۳۳).

تعاملات اجتماعی:

روابط یا تعاملات اجتماعی به مجموعه وسیعی از ارتباطات کلامی، غیرکلامی، مستقیم، غیرمستقیم، عینی و نمادین بین دو یا تعداد بیشتری از افراد اشاره دارد (wu et al, 2018: 78). موضوع مهم روابط و تعاملات اجتماعی، انتقال پیام از فردی به دیگری برای نیل به خواسته‌ها و نیازهای فرستنده پیام است؛ امری که فرد ارسا کننده پیام، شاید نتواند به تنهایی برآورده سازد (Erickson, 2017: 52). به بیان دیگر، هرگاه عملی از شخصی سربزند که با پاسخ از سوی فرد دیگر همراه باشد در اصطلاح به این عمل متقابل دوطرفه، تعامل اجتماعی گفته می‌شود. این رابطه متقابل اجتماعی، برای پاسخ به نیازهای انسان و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است؛ زیرا به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند (لنگ، ۱۳۹۸: ۲۶) الکساندر نیز ملاقات گاه به گاه و غیررسمی را زمینه توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم دانسته است (الکساندر، ۱۹۷۷: ۴۳).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق دارای رویکرد کیفی است و از نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند به عنوان روش پژوهش استفاده می‌کند. در این روش، پژوهشگر، تحقیق را از یک نظریه شروع نمی‌کند که به دنبال اثبات آن باشد بلکه پژوهش، از یک دوره مطالعات آغاز و فرصت داده می‌شود تا

آنچه که متناسب و مربوط به پژوهش است خود را نشان دهد (بازرگان، ۱۳۸۷: ۱۲). هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، تحلیل و بررسی نقش حیاط خانه‌های قدیمی در ارتقای تعاملات اجتماعی است. فرضیه اصلی تحقیق این است که حیاط خانه‌های قدیمی، نقش غیر قابل انکاری در مراودات اجتماعی ساکنان آن داشته است. تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و پژوهش به دنبال کنکاش در حیاط خانه‌های قدیمی، برای دستیابی به عوامل مؤثر بر ارتقای سطح تعاملات اجتماعی (احتمالاً قابل استفاده در معماری مسکونی و فضاهای زندگی در مجموعه‌های زیستی معاصر) است.

در این باره پیش از هر چیز، مصاحبه‌های عمیق با افرادی انجام گرفت که سابقه زندگی در خانه‌های قدیمی را داشتند و بعد از تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج کلیدواژه‌هایی که به شکل‌گیری مقوله اصلی انجامید، نسبت به ادامه جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، برای اشباع مقولات مرتبط با مقوله اصلی و تحلیل آنها اقدام شد و در نهایت مدل مورد نظر شکل گرفت. در پایان نیز، ضمن تطبیق یافته‌های پژوهش با یافته‌های پیشین محققان، نسبت به سنجش یافته‌های پژوهش اقدام گردید. گفتنی است از ضریب لاوشه برای سنجش لزوم و صحت سؤالات و روایی محتوایی آن بهره گرفته شد.

حوزه مطالعاتی:

حوزه مطالعاتی از میان خانه‌های قدیمی شهر اصفهان (به عنوان یکی از شهرهای قدیمی ایران) انتخاب گردید. گفتنی است از آنجایی که محتمل است به دلایل گوناگون، در این خانه‌ها به نحوی، تغییرات در فضاهای کالبدی خانه در طول تاریخ رخ داده باشد، پژوهش تلاش داشت تا حد امکان نمونه‌های بدون تغییر و یا با تغییرات غیر مؤثر بر کلیات فضاهای کالبدی متمرکز گردد تا در نتیجه امکان قضاوت صحیح در مورد آنها امکان‌پذیر باشد.

جامعه آماری:

جامعه آماری این پژوهش شامل افرادی بودند که بخشی از زمان زندگی خویش را در این خانه‌های تاریخی گذرانده باشند. انتخاب این افراد به این جهت است که آنان خاطره زیستی در چنین فضاها را داشتند و از طرفی با درک نارسایی‌های بناهای معاصر اخذ نظرات آنان، متاثر از شرایط این خانه‌ها، می‌توانستند در جهت تکمیل مطالعات مفید فایده واقع شوند.

محدودیت‌های پژوهش:

به طور کل محدودیت‌های این پژوهش را به دو دسته می‌توان طبقه‌بندی نمود: ۱- کمبود تعداد افراد مصاحبه‌شونده‌ای که شرایط مورد نظر تحقیق را داشته باشند. (متأسفانه در پیامد پدیده مدرنیته و برخی عوامل دیگر، بسیاری از خانه‌های قدیمی، جای خود را به آپارتمانهای جدید داده‌اند و بسیاری از افراد انگیزه و رغبتی برای زندگی و حضور در خانه‌های تاریخی ندارند ضمن آنکه افرادی که شرایط مورد انتظار تحقیق را داشتند گاه به دلیل کهولت سن، حوصله انجام مصاحبه و صحبت با محقق را نداشتند. ۲- کمبود منابع تحقیقاتی مکتوب داخلی، درباره نحوه برقراری تعاملات و میزان آن در خانه‌های قدیمی ایران بود؛ به گونه‌ای که عمده منابع به بررسی و تحقیق درباره شرایط تعاملات اجتماعی در معماری معاصر پرداخته بودند. در این راستا برای غلبه بر محدودیت اول، تلاش شد با صرف وقت بیشتر، تا حد ممکن افراد بیشتری که میانگین سنی کمتری دارند در تحقیق شرکت داده شوند. ضمن آنکه با آگاه کردن آنان، نسبت به چشم‌انداز پژوهش و تصمیم محقق بر ماندگار کردن تجربیات آنها، تلاش شد انگیزه مناسبی در این افراد ایجاد شود. در مورد کمبود منابع تحقیقاتی نیز تلاش شد ضمن نظرسنجی از صاحب‌نظران و محققان این حوزه (که هنوز به صورت مکتوب در نیامده) بخشی از این کمبود جبران گردد، خصوصاً در شرایطی که در پایان تحقیق (بر مبنای نظریه داده‌بنیاد)

نیاز به مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های پیشین است؛ هرچند به ناچار، در این بخش، بیشتر از اطلاعات گردآوری شده توسط محققان خارجی استفاده گردیده است.

نوآوری پژوهش:

نوآوری این پژوهش هم در رویکرد و هم در روش تحقیق آن است؛ بدین‌گونه که چنین پژوهشی در مورد دلایل اجتماع‌پذیری یک فضای به‌خصوص نظیر حیاط، با بهره‌گیری از نظریات افرادی که سابقه سکونت در چنین محیط‌هایی را داشته‌اند به انجام نرسیده است و تحقیقات پیشین عمدتاً بر اجتماع‌پذیری کلی خانه‌ها (سستی و مدرن) و بیشتر بر پایه نظر متخصصان حوزه مسکن بوده است.

روش نمونه‌گیری:

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) است. در این مطالعه با ۲۶ نفر مصاحبه شد که از مصاحبه ۱۲ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه آخر ادامه یافت، ضمن آنکه از مصاحبه ۲۳ به بعد داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع رسیده بود. مصاحبه‌های اولیه کاملاً عمیق بود و بیشتر بر مبنای خاطرات افراد و گردهمایی‌های آنان صورت می‌گرفت. کلیه مصاحبه‌ها ضبط شدند و برای استخراج نکات کلیدی، چند بار مورد بررسی و صحت‌سنجی توسط خود مصاحبه‌شوندگان قرار گرفتند. در این مرحله، مقوله اصلی شکل می‌گیرد و مصاحبه‌های بعدی، در اشباع مقوله فوق ادامه می‌یابد و در نهایت بعد از سه مرحله کدگذاری (یک مرحله قبل از شناسایی مقوله اصلی و دو مرحله بعد از آن) مدل اصلی استخراج گردید.

مراحل کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد:

۱- کدگذاری باز^۱ - ۲- کدگذاری محوری^۲ - ۳- کدگذاری انتخابی^۳

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding

گام اول: انجام مصاحبه‌ها و کدگذاری باز شامل الف-انجام مصاحبه و تحلیل و کدگذاری داده‌ها ب-کشف طبقه‌ها ج-توصیف طبقه‌ها با توجه به خصوصیات آنها، د-تهیه جدول کدگذاری

جدول شماره (۲): نمونه کدهای اولیه یکی از مصاحبه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	کدهای اولیه (مصاحبه پنجم)
۱	نشاط آوری حاصل از دیدن زیبایی گلها
۲	دلنشینی شنیدن صدای آب
۳	راحتی پوشش اعضای خانواده در حیاط
۴	در امان بودن از آلودگیهای بهداشتی محیط
۵	در امان بودن از سر و صدای مزاحم محیط
۶	گنجایش بالا و ابعاد بزرگ حیاط
۷	پوشش هنری بدنه‌ها
۸	دقت و ظرافت در اجزا
۹	استفاده از مصالح دلنشین در بدنه‌ها
۱۰	فراهم آوردن امکان سرگرمی در محیط
۱۱	توجه به اصول فنی و اجتماعی در ارتفاع دیوارها
۱۲	بهره‌گیری از داستانهای اصیل در نقش و نگارها
۱۳	تازه شدن روح انسان
۱۴	توجه به نیازهای کلی خانواده در طراحی محیط
۱۵	قابلیت استفاده در کلیه فصول
۱۶	ایجاد فضای امن برای بازی کودکان

گام دوم، شناسایی مقوله محوری و سپس ادامه مصاحبه‌ها برای پیدا کردن مقولات مرتبط با مقوله محوری و کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی به مقولات به‌دست آمده از کدهای اولیه است که به علت تعداد فراوان، به کدهای ثانویه تبدیل می‌شوند و چند کد ثانویه نیز به یک کد مفهومی تبدیل می‌گردند همانند جدول زیر:

جدول شماره (۳): بخشی از کدهای ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات فرعی، به همراه فراوانی آنها حاصل از مصاحبه‌ها
(ماخذ: نگارندگان)

فراوانی	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی	مقولات (طبقه فرعی)
۸	از محاسن حضور در حیاط، عدم رفت و آمد وسایل نقلیه و خطر آنها خصوصاً برای کودکان و سالمندان است.	در امان بودن از رفت و آمد وسایل نقلیه	انضام حس امنیت
۱۱	نبودن وسایل نقلیه، فضای کافی برای انجام فعالیت‌های داخل محیط را فراهم می‌آورد.		
۶	حضور در حیاط خانه، ساکنین را از دیدن اتفاقات ناهنجار فرهنگی محیط مصون می‌دارد.	در امان بودن از آلودگی‌های بصری محیطی	
۶	حیاط باعث دور ماندن ساکنین از شرایط نامناسب کالبدی محیط خارج می‌گردد.		
۱۳	سر و صداهای بلند و ناهنجار محیط در داخل حیاط تعدیل می‌گردد.	در امان بودن از آلودگی‌های صوتی محیط	
۷	حضور در حیاط ساکنین را از مزاحمت‌های رفتاری و گفتاری محافظت می‌کند		طراحی بر مبنای مضامین فیزیکی انسان
۹	فضاهای در محیط خارج از خانه، برای گردهم آیی دارای آلاینده‌های مختلف هستند.		
۷	انواع آلودگی‌های فضاهای بهداشتی، در محیط حیاط به دلیل وجود فضاهای خصوصی به حداقل می‌رسد.	در امان بودن از آلودگی‌های بهداشتی محیط	
۱۰	کودکان در حیاط می‌توانند زیر نظر بزرگترها، بدون ترس از مخاطرات محیط به بازی و فعالیت بپردازند	مهیا کردن امکان تحرک و جایابی در محیط	
۱۲	فعالیت و جایابی در محیط حیاط، عاملی در جهت ایجاد مزاحمت برای کسی نمی‌باشد.		
۸	همه افراد، از جمله مسن‌ترها، بدون نگرانی از پستی و بلندیها، مانع‌ها و پله‌ها و پرتگاهها، امکان جایابی و حضور در فضای حیاط را دارند.	توجه به شرایط جسمی	فراهم آوردن امکان تفکر و تدبیر
۵	کلیه فضاهای مورد نیاز برای استفاده افراد در سنین مختلف در پیرامون حیاط جهت استفاده تعبیه شده است.	کلیه سنین در طراحی	
۷	دیدن نحوه مواجهه عناصر طبیعی با شاداب محیط برای انسان آموزنده است.	فراهم آوردن امکان درس آموزی از طبیعت	
۶	نحوه ارتباط موجودات طبیعی با یکدیگر انسان را به فکر وامی‌دارد.		فراهم آوردن امکان تفکر و تدبیر
۶	رویت نحوه گذر ایام سال و فصول مختلف از نشانه‌های الهی است.	فراهم آوردن امکان تفکر در آیات و نشانه‌های الهی	
۸	دیدن رشد و نمو و نحوه گذر عمر موجودات طبیعی از آیات الهی است.		

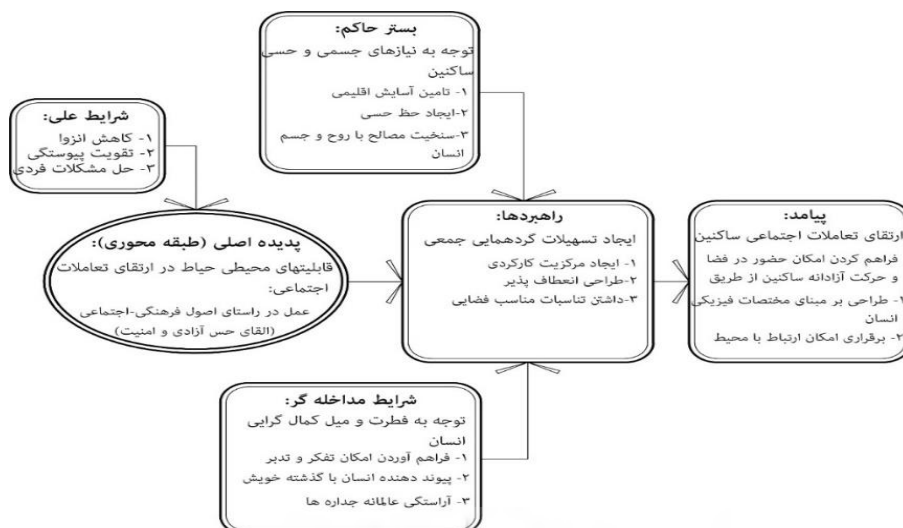
گام سوم، شکل‌دهی طبقات اصلی:

پس از تعیین مقولات فرعی، نوبت به شکل‌دهی و اشباع مقولات اصلی نظریه می‌رسد (که خود شکل‌دهنده مقوله محوری اند) در این مرحله با تحلیل مقولات فرعی، دسته‌بندی جدیدی همانند جدول زیر به دست می‌آید

جدول شماره (۴): مقولات و طبقات اصلی (ماخذ: نگارندگان)

طبقات اصلی	مقولات (طبقات فرعی)
توجه به نیازهای جسمی و حسی ساکنین	- تامین آسایش اقلیمی - ایجاد حظ بصری - سنخیت مصالح با روح و جسم انسان
ایجاد تسهیلات گردهمایی جمعی	- ایجاد مرکزیت کارکردی - طراحی انعطاف پذیر - داشتن تناسبات مناسب فضایی
توجه به فطرت و میل کمال‌گرایی انسان	- فراهم آوردن امکان تفکر و تدبیر - پیوند دهنده انسان با گذشته خویش - آراستگی عالمانه جداره‌ها
عمل در راستای اصول فرهنگی-اجتماعی	- القای حس آزادی - القای حس امنیت
فراهم کردن امکان حضور در فضا و حرکت آزادانه	- طراحی بر مبنای مختصات فیزیکی انسان - برقراری امکان ارتباط با محیط

گام چهارم: کدگذاری محوری: هدف از این مرحله برقراری ارتباط میان طبقه‌های تولید شده (در کدگذاری باز) است. اساس فرایند، بسط و گسترش یکی از طبقه‌ها است (طبقه‌ای که در اصل مقوله محوری را شامل می‌شود) (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۷)



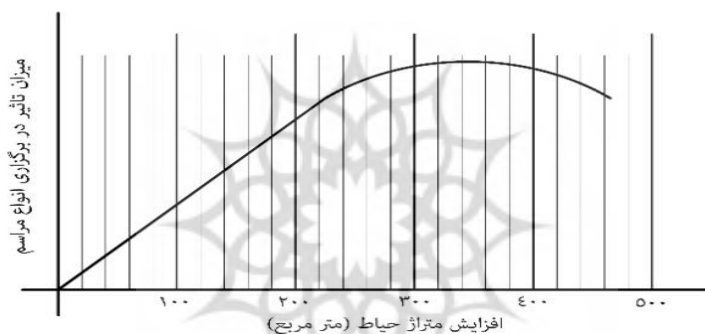
نمودار ۱: نحوه ارتباط مقولات و طبقات اصلی (ماخذ: نگارندگان)

گام پنجم: مرحله نظریه‌پردازی (کدگذاری انتخابی): از آنجا که هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده، برای تبدیل تحلیلها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مرتبط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس نتایج دو مرحله قبل کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. در این مرحله، محقق، بر اساس فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل، پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی، نظریه نهایی را ارائه می‌دهد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۱).

یافته‌های پژوهش و ارائه نظریه:

یافته‌های پژوهش حاکی از نقش و قابلیت بسیار حیاط خانه‌های قدیمی در ارتقای سطح تعاملات اجتماعی است. عوامل متعددی نیز از طرف ساکنان این خانه‌ها در این زمینه مطرح می‌شود که از میان آنها بیشتر تأکیدات بر توانایی حیاطها در ایجاد حفظ بصری و ایجاد آسایش محیطی و ذهنی استفاده کنندگان از فضا است. زیبایی‌های خاص محیطی به نظر می‌رسد بیشترین میزان تأثیرگذاری را در جذب افراد دارند. همچنین نقش

برخی از عوامل نظیر القای حس امنیت، نیز مورد تأکید قرار گرفت. در حقیقت احساس آزادی و امنیت در حیاط خانه‌های قدیمی را به این دلیل مطرح می‌کردند که غریبه‌ها به آن راهی نداشتند و امکان تعاملات اجتماعی به شکل دلخواه را به اهالی می‌داد و در حقیقت با افزایش امنیت، تعاملات اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کرد. از دیگر عوامل تاثیرگذاری که در حوزه مقولات مورد تأکید افراد قرار داشت، بحث ابعاد و اندازه مناسب و تناسب فضایی حیاط بود که افراد معتقد بودند با افزایش مساحت و میزان آن، بر میزان تعاملات اجتماعی افزوده می‌شود. تصویر زیر میزان این تأثیرپذیری را از دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده نشان می‌دهد.



نمودار ۲: اثر تغییرات متراژ حیاط بر اجتماع پذیری از دیدگاه کاربران (مأخذ نگارندگان)

ضمن آنکه ساکنان بسیاری تأکید می‌کردند که تناسبات و ابعاد و اندازه، امکان انجام فعالیت‌های مختلف را مهیا می‌کند، درباره تحلیل جامعه‌شناسی نیز، نتایج تحقیق، مبین تأثیر محیط بر افراد است؛ به گونه‌ای که در درجه نخست، کیفیت محیط و عناصر داخل محیط، بر روحيات و نحوه رفتار افراد تأثیر گذار بود. مصاحبه‌شوندگان، بیان می‌کردند که چطور تحت تأثیر محیط و عناصر آن قرار گرفته بودند. ضمن آنکه افراد احساس می‌کردند با حضور در محیط حیاط، ضمن احساس تغییری که در حس و حال خود احساس می‌کردند، می‌توانند بر بهبود شرایط روحی سایرین نیز تأثیرگذار باشند و چطور حضور در این فضاها می‌تواند علاوه بر بهبود شرایط روحی، بر بهبود شرایط جسمی آنان نیز تاثیرگذار باشد.

در نهایت مدل تحقیق نشان می‌دهد که چطور حیاط‌ها با ایجاد تسهیلات گردهمایی جمعی، ضمن توجه و در نظر گرفتن طیف متنوعی از نیازهای جسمی و روحی انسانها و احترام به باورها و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی کاربران، توانسته است محیطی مساعد را برای تعامل میان ساکنان فراهم آورد و با بهره‌گیری از شرایط موجود، موجب تشویق و ترغیب مردم به تعامل و حضور در کنار یکدیگر گردند.



نمودار ۳: مدل به دست آمده تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

مقایسه با ادبیات موضوع:

مقایسه یافته‌های پژوهش، با ادبیات موضوعی، نشانگر شباهت و همخوانی عمده یافته‌ها با اطلاعات موجود دارد به عنوان مثال توجه به بحث محرمت از جمله مواردی بود که در مصاحبه‌ها مورد تاکید قرار می‌گرفت و در فهرست مقولات اصلی نیز در زیرمجموعه توجه به نیازهای روحی ساکنان قرار داشت و پیش از این توسط حائری

(۱۳۸۸: ۵۳) مورد اشاره قرار گرفته بود بدین مضمون که حفظ حریم خصوصی خانواده، عملکرد اصلی خانه‌ها بوده است. همچنین احمدی (۱۳۸۲: ۱۰۸) بیان می‌دارد که حیاط مرکزی، خلوت، امنیت، حق شهروندی و حیطة‌های خصوصی ساکنان را تأمین می‌کرد. همچنین توجه به بحث امنیت و تأثیر آن در ارتقای تعاملات اجتماعی که پیش از این توسط ضرغامی، (۱۳۸۹) به عنوان عاملی تأثیرگذار در تحقیقات مشابه نیز مورد تأیید قرار گرفته بود. ضمن آنکه ابعاد و تناسب مناسب حیاط و برقراری امکان ارتباط با طبیعت، در کل مصاحبه‌ها، مورد نظر افراد بود و پیش از این نیز توسط حائری، (۱۳۸۸) اشاره شده بود که حیاط، اتاق دل‌بازی است که سقف ندارد و به آسودگی می‌توان در آن نفس کشید. هر فعالیتی، اعم از کار کردن، بازی کردن، خلوت کردن، حشر و نشر و گفتگو در آن توأم با آزادی است. همچنین در بحث جامعه‌شناسی، نظریه تعامل‌گرایی نمادین به وضوح در یافته‌های پژوهش، قابل مشاهده است خصوصاً در بحث تأثیر عناصر محیطی بر افراد که مشخصاً در مصاحبه‌ها این نکته مورد اشاره قرار می‌گرفت که شرایط محیط و عناصر داخل محیط دارای تأثیر مثبتی بر فرد است و عملاً باعث القای حس مثبت بر فرد می‌گردد و در نتیجه، برآیند آن بهبود حس و حال افراد داخل فضا است.

نتیجه‌گیری:

در بررسی نحوه و میزان نقش حیاط در ارتقای سطح تعاملات اجتماعی ساکنان خانه‌های قدیمی، نتیجاً مصاحبه با ساکنان در فضا نشان می‌دهد که حضور حیاط‌ها در قلب خانه‌های قدیمی بسیار حیاتی بوده است. زیرا این فضاها علاوه بر فراهم آوردن شرایط مطلوب زیستی و محیطی، به طرق مختلف، قابلیت‌های ویژه‌ای را در گرد هم آوردن اعضای خانواده داشته‌اند. موارد بسیاری از نظر ساکنان مطرح می‌شود که در این بین البته برخی، مورد تأکید بیشتری قرار دارند.

در مجموع نتیجه‌گیری کلی پژوهش بیان‌گر آن است که حیاط‌ها با ایجاد تسهیلات گردهمایی جمعی، ضمن توجه و در نظر گرفتن طیف متنوعی از نیازهای جسمی و

روحي انسانها و با احترام به باورها و ارزشهای اجتماعي و فرهنگي کاربران توانسته‌اند محيطي مساعد را براي تعامل ميان ساکنان فراهم آورد.

همچنين در پاسخ به سؤالات پژوهش، مي‌توان دريافت که از نظر مصاحبه‌شوندگان، مهمترين دلایلي که بر نقش حياط خانه‌های قديمي در ارتقای سطح تعاملات اجتماعي مؤثرند، از ميان طبقات اصلي شکل گرفته در تحقيق، در درجه اول توجه به نيازهای جسمي و حسي ساکنان است و پس از آن عوامل ديگري همچون فراهم کردن امکان حضور در فضا و حرکت آزادانه، ايجاد تسهيلات گرد همایي جمعي، عمل در راستای اصول فرهنگي و اجتماعي ساکنين و توجه به فطرت و ميل کمال‌گرایی انسانها قرار دارد. همچنين افراد مانع اصلي تحقق اين امر را افزايش قيمت زمين از طرفي و ميل به سوداگري از طرف ديگر است که سبب مي‌گردد تنها به وجه اقتصادي قضيه توجه شود و در نتيجه خانه‌های امروزي از مزایاي تعاملات اجتماعي بي‌بهره گردد.

پيشنهادها:

بايد توجه داشت، موارد به دست آمده در اين تحقيق مي‌تواند بستري براي ايجاد قوانين جديد درمورد نحوه طراحي مجتمع‌های مسکوني گردد. پس پيشنهاد مي‌گردد:

۱- ارگانهای مربوط، با تسهيلات مناسب، امکان تجميع هرچه بيشتر پلاکهای ساختماني در ايجاد حياط‌های بزرگتر و بهره‌گيري هرچه بيشتر از قابليت‌های آنها فراهم آورند.

۲- پيشنهاد مي‌شود قطعه‌بندي در شهرکهای در حال ساخت به گونه‌ای باشد تا فضاهای باز و محيط‌های بين قطعات، با شرايط حياط‌های مرکزي، عاملي در ارتقای تعاملات اجتماعي و نهايتاً افزايش امنيت عمومي اين فضاها گردد.

۳- در شرايطي که استفاده عمده از حياط‌های خانه‌های معاصر صرفاً براي رفت و آمد و يا پارک وسايل نقلیه است، توصيه مي‌گردد شرايط و تمهيدات سختگيرانه‌تري در مورد نحوه آرايش حياط‌ها در مجتمع‌های مسکوني در حال ساخت اعمال شود و با

ایجاد فضاهایی با خصلت حیاط، امکان گردهمایی و حضور افراد در کنار یکدیگر مهیا گردد تا در نتیجه استفاده از قابلیت‌های اجتماعی این فضاها افزایش یابد.

۴- توصیه می‌گردد تحقیق و تفحص از سایر قسمت‌های معماری سنتی ایران در زمینه‌های مختلف، در دستور کار بخش‌های گوناگون تحقیقاتی قرار گیرد تا از پتانسیل‌های آشکار و نهان آن در رفع نارسایی‌های معماری معاصر بهره گرفته شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- احمدی، فرهاد. (۱۳۸۲). شهر-خانه-حیاط مرکزی. فصلنامه علمی-پژوهشی صغه، شماره ۴۱: صص ۹۰-۱۱۳.
- ارژمند، محمود، خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۷: صص ۳۸-۲۷.
- باقری، حسین، نوروزیان‌ملکی، سعید؛ حسینی، باقر. (۱۳۹۴). شناسایی متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن. فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۴: صص ۲۷-۱۷.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: انتشارات دیدار.
- ۶بمانیان، محمدرضا؛ امینی، معصومه. (۱۳۹۶). معماری اجتماعی خانه ایرانی. تهران: انتشارات اول و آخر.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حیدری، علی اکبر؛ پیوسته‌گر، یعقوب و کیایی، مریم. (۱۳۹۰). ارزیابی نقش حیاط در ارتقای راندمان عملکردی خانه. فصلنامه علمی-پژوهشی صغه، شماره ۷۳: صص ۶۰-۳۹.

- دانایی فرد، حسن و اسلامی، آذر. (۱۳۸۹). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه‌داده‌بنیاد در عمل: ساخت نظریه‌ی بی تفاوتی سازمانی. تهران: دانشگاه امام صادق.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- دانشگرمقدم، گلرخ؛ بحرینی، سیدحسین و عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت (مطالعه‌ی موردی: نمونه‌های مسکونی شهر همدان). نشریه‌ی هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۵: صص ۳۶-۲۵.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۸). قواعد روش جمعیت‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی، علی؛ ربانی، رسول و گنجی، محمد. (۱۳۹۰). رویکرد جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. فصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳: صص ۷۴-۳۹.
- زمانی، بهادر؛ قلعه‌نویی، محمود و پیمانفر، سپیده. (۱۳۹۷). بازشناسی مؤلفه‌های سکونتگاه (مطالعه‌ی موردی: محله مجمر اصفهان). مجله‌ی علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۲: صص ۱۳۰-۱۱۷.
- زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در ایران. مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سعادت، پوران‌دخت؛ مظفر، فرهنگ و حجت، عیسی. (۱۳۹۷). تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دلبستگی به خانه با بهره‌گیری از روش نظریه‌ی زمینه‌ای (مطالعه‌ی موردی: واحدهای مسکونی شهر اصفهان). مجله علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۴: صص ۱۰۰-۸۵.
- شهسوارانی، امیر محمد. (۱۳۹۷). نظریه‌ی تبادل اجتماعی: نظریه‌ی ارتباطات و تعاملات بین فردی در جامعه. فصلنامه‌ی تحقیقات رسانه، شماره ۱: صص ۷۰-۵۱.
- صالحی‌نیا، مجید و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۸). اجتماع‌پذیری فضای معماری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۴۰: صص ۱۷-۵.
- ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۸۹). اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی-اسلامی. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲: صص ۱۱۸-۱۰۳.
- طوفان، سحر. (۱۳۸۵). نقش آب در حیات‌خانه‌های سنتی ایران. نشریه‌ی علمی-پژوهشی باغ‌نظر، شماره ۶: صص ۸۱-۷۲.

فتح بقالی، عاطفه؛ مقصودی تیلکی، محمد جواد و هدایتی مرزبالی، معصومی. (۱۴۰۰). بازتاب ساختار اجتماعی در پیکره‌بندی فضایی مسکن با تأکید بر تئوری نحو فضا (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی و معاصر بافت فرهنگی تاریخی تبریز). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال دهم، شماره ۳۸: صص ۶۴-۴۷.

فرگاس، جوزف. (۱۳۹۹). روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی)، ترجمه مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران، انتشارات ابجد.
گروت، لیندا. وانگ، دیوید. (۱۳۹۹). زبان فضا. تهران، مترجم علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.

مجیدی، سمیرا و معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۴). فهم عاطفی حیاط در خانه‌های سنتی شیراز. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۹: صص ۱۰۱-۹۱.
مرادی، ساسان؛ متین، مهرداد و دهباشی شریف، مزین (۱۳۹۷) گونه‌شناسی خانه‌های سنتی حیاط دار تبریز بر اساس معیارهای کالبدی مؤثر بر عملکرد اقلیمی حیاط مرکزی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۵۱: صص ۱۰۵-۸۷.

لنگ، جان. (۱۳۹۸). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

محمد حسینی، پریسا؛ جوان فروزنده، علی؛ جهانی دولت آباد، اسماعیل و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۹). واکاوی نقش انتخابهای فرهنگی در شکل‌گیری ساختار خانه‌های بومی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۹: صص ۸۶-۶۱.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. تهران، انتشارات سروش دانش. نیازی، محسن. مرتضوی، آمنه. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل نظریه کنش متقابل نمادین. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

ورمقانی، حسنا. (۱۴۰۰). پژوهشی در خوانش شاخه‌های آمیختگی در فضای فردی-جمعی حیاط خانه سنتی (خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عهد قاجار و صفوی). دوفصلنامه علمی معماری، شهرسازی و هنر فصل زیست، شماره ۱: صص ۱۳۸-۱۱۷.

Abed, A., Al jokhadar, A. (2022). Common space as a tool for social sustainability. Journal of housing and the built environment. 37. Pp:399-421.

- Alexander, C., Ishikawa, S., Silverstein, M., Jacobson, M., Fiksdahl-King, I. and Angel, S. (1977). *A Pattern Language*, Oxford University Press, New York.
- Archea, J.(2004), the place of architecture factors in behavioral theories of privacy. *Direction in person-environment research and practice*.
- Coleman, James C. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology* 94 (Supplement S95-S120): 95-119.
- Erickson, F. (2017). Conceiving, noticing, and transcribing multimodality in the study of social interaction as a learning environment. *Linguistics and Education*, 41: 59-61.
- Festinger, L ,Schater, S & Kurt ,B (1950). *Social pressure : informal group*, Stanford, ca, Stanford university press.
- IFukuyama, Francis. (1990). *Sochal Capital and civil society*. (on line). Available at : www.mf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reformes/fukuyama.htm.
- Gigrich, P.(2000). *Symbolic Interactionism*. Regina, CA:University of Regina Department of Sociology and social studies.
- Haler, H& Hadler, M. (2006). How social relations and structures can produce happiness and unhappiness, *social indicators research*, 75. pp: 169-216.
- Hall, E .t.(1982). *the hidden dimension*, new York: anchor books, doubleday.
- Heidari, a. (2020). Evaluation and analyze the different meanings of home in two patterns of apartment and independent courtyard house. (case study: shiraz city). *Journal of Architecture Thought*. Number 9. Pp: 135-149
- Hillier, B & Hanson, J (1984), *the social logic of space*, London: Cambridge university press..
- Long, J. (1987). *Creating architecture theory, the role of behavioral science in environmental designe*, new York, van nostrand, reinhold.
- Lawrence, Roderick J. (1987), *What makes a house a home*, *Environment and behavior* 19, no 2, pp: 154-168.

- Rapoport ,A. (1969). House form and culture , Englewood cliffs, nj, Prentice-Hall
- Sennett, Richard. (1974). The fall of publhc man. New York, ww Norton & company
- Seagert, Susan. (1985), The role of housing in the experience of dwelling, Home environments pp: 287-309.
- Soltani. S., Gu. N., Ochoa. J., Sivam, A.(2022). The role of spatial configuration in moderating the relationship between social sustainability and urban density. Cities. V.121.
- Straus, a & Corbin, j. (2008). Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory, third edition, los angeles: sage publications.
- Thungsakul, N.(2011), a syntactic analysis of spatial configuration towards the understanding of continuity and change in vemacular living space: a case study in the upper northeast of Thailand, unpublished dissertation submitted to the university of florida.
- Wallace, a.(1952). Housing and social structure, philladelphia housing authority.
- Wu, X., Hua, R., Yang, Z., & Yin, J. (2018). The influence of intention and outcome on evaluations of social interaction. Acta psychologia, 182,pp: 75-81.
- Zhang, Y., Chen, G., He, Y., Jiang, X., Xue, C. (2022). Social Interaction in public spaces and well bein among elderly women: towards age-friendly urban environments. International journal of environmental research and health. Volume 19.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی